

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

موسوی

۲۴ مارچ ۲۰۱۷

تصحیح یک اشتباه و عرض پوزش

دوستانی که با نوشته های این قلم آشنائی دارند، شاید به خاطر داشته باشند که من در یادداشت قسمت سوم مقاله معنون به "نشخوار ادعای CIA به ارتباط "حدخا" در پاسخ به سؤال دوستی که به زعم خودش "مارکسیزم" را خوانده رد کرده و از من می خواست تا تقریظی در مورد کتابش بنویسم، گفته بودم: "استاد جان، مه بریت قول میتم که کتابته نخانده، خودت را بگویم که شجاعترین انسان روی زمین استی".

اینک بعد از آن که سری به یک تعداد از سایتهای دیگر زدم و چند مطلب را از "حضرات" پر مدعا خواندم، بر خود واجب می دانم تا ضمن آن که جمله قبلی خود را اصلاح می نمایم و به جای "شجاعترین انسان روی زمین"، "یکی از شجاعترین انسانهای روی زمین" من بعد می باید بنویسم، هم از آن استاد که ایشان را تنها "شجاع" دانسته ام و هم از خیل "شجاعان دیگری" که در آن تذکر حق شان تلف شده بود، از صمیم قلب پوزش بخواهم. زیرا:

علاقه ام به تاریخ به مثابه یک شاگرد تاریخ، به خصوص آنجائی که پای خیزش خلق ما علیه تجاوز اجنبی در درازنای زمان در میان باشد، انگیزه ای بود که در طی چند روز اخیر به برخی از مقالات و مطالبی که راجع به خیزش اسطوره ئی مردم هرات علیه مزدوران روس در ۲۴ حوت ۱۳۵۷، نگاشته شده بود و من امکان دسترسی به آنها را پیدا نمودم، سر زده و بر آنچه تا اینک از قلم و زبان خبرگان آن دیار شنیده و خوانده و آموخته بودم، بیفزایم. در جمع این سلسله مقالات هرچند در صد قابل ملاحظه ای از آنها تکراری و یا هم ادعا های بی سند و مدرک بود، نوشته ای را از قلم یکی از "حضرات" معنون به "نگاهی کوتاه به بیست و چهار حوت از فراز درخت توت" در سایتی که ظاهراً خود را مدافع مردم افغانستان و دشمن به اصطلاح "حزب دموکراتیک خلق افغانستان- حدخا" معرفی می دارد، خواندم که از مطالعه آن گذشته از این که به گفته مردم کابل "قوت از سرم پرید"، به سرعت متوجه اشتباهم در مورد "رد کننده مارکسیزم" نیز شده دریافتم که شوربختانه از این نوع "شجاعان" در بین ما کم نبوده و نیستند، فقط من شانس این را نداشته ام تا با آنها آشنا شوم.

نویسنده بعد از آن که به زبان استعاره حاکمیت "حدخا" را به عروس زیبای "پشتو"!! تشبیه نموده و حرکات آزادیخواهانه مردم ما را در اقصا نقاط کشور زیر نام "روحیه منفی و ضد ملی" دانسته و با تکرار اراجیف حکمداران "حدخا" مبتنی بر آن که گویا "قیام هرات ناشی از دست درازی ایرانی ها بود"، منتها این بار از منظر دیگری، حینی که خواسته بود معلومات خویش را در زمینه به رخ خوانندگان بگذرد، و شروع نموده بود در مورد "چریکها فدائی خلق

ایران" معلومات دادن، جهل مطلق خود را چنان به نمایش گذاشته بود، تو گویی کسی خواسته باشد بعد از افتادن نقاب از رخسار، از دامن استفاده نماید در حالی که فراموش نموده، زیر دامن چیزی در بدن نداشته، به قیمت پوشاندن چهره، شرمگاهش را به نمایش گذاشته است.

این آدم کم سواد که با تأسف خود نمی داند که تا چه اندازه از لحاظ فهم عقب مانده و نادان است، در یک تحلیل از نیروهای شرکت کننده در انقلاب ایران، از چهار نیروی عمده- بحث در مورد این که در تمام یک روند فقط یک نیرو می تواند عمده باشد نه دو، سه، چهار و ... را چون از یک جانب از فهم نویسنده بالاست و از جانب دیگر موضوع بحث ما نیست، می گذارم به زمانی که فرصت بیابم و یک بند از نوشته آن "شجاع" را از نزدیک بررسی نمایم- که یکی از آنها "چریکهای فدائی خلق ایران" بود، نام برده، نهاد یاد شده را در خط چین معرفی داشته و بر مبنای نفوذ آنها در "استان خراسان ایران"، و پیوند آنها گویا با چپ های طرفدار چین در افغانستان، به خواننده تلقین می نماید که "قیام هرات" حرکتی بوده به تحریک خارجی ها "این بار چریکهای فدائی خلق ایران" که توسط "چپ های طرفدار چین در افغانستان" عملی شده است.

چون تصمیم دارم به این مطلب در فرصت دیگری مفصلتر بحث نمایم، در اینجا نخست بعد از ادای شکر، فقط به ارتباط "چریکهای فدائی خلق ایران" و اتهام ارتباط آنها با چین اندکی روشنی می اندازم.

نخست شکرپروردگار "حضرات". شکر به خاطر این که آن سایت مراجعه کننده بین المللی و خواننده خارجی که به زبان دری بخواند ندارد ورنه بینی هر چه افغان و نویسنده افغان بود، بریده می شد. بینی بریدگی از این چه بالاتر، که کسی ندانسته و بدون اطلاع، بخواهد ادعای معلومات نموده، جهل مفرط خود را به جای اطلاع و آگاهی به دیگران پیشکش نماید.- به این نکته باز هم بر خواهم گشت.-

و اما به ارتباط "چریکهای فدائی خلق ایران" که اینک فقط یکی از شاخه های بی حساب آن، با پورتال "افغانستان آزاد- آزاد افغانستان" همکاری دارد.

آن نهاد چه در آن هنگامی که احاد آن مشغول فعالیت محفلی بود و چه هم آن گاهی که به طرف وحدت و یکی شدن حرکت نمودند، نه تنها هیچ یک از احاد آن از لحاظ ایدئولوژیک با اندیشه مائو تسه دون، توافق نداشتند، بلکه از لحاظ سیاسی نیز کمترین تقریبی با بیجینگ نداشتند. زیرا:

در کلیت آن، دو خط و دو منبع ایدئولوژیک باعث به وجود آمدن "چریکهای فدائی خلق ایران" گردید، یکی خط "پویان و مسعود احمد زاده" و دیگری خط "بیژن جزنی".

تا جایی که از اسناد و نوشته های به جای مانده از زنده یادان "پویان و احمد زاده" بر می آید، این دو تن در آثار شان "مبارزه مسلحانه و رد تئوری بقاء- از پویان" و "مبارزه مسلحانه هم ستراتیژی و هم تکنیک- مسعود احمد زاده" که مبارزه مسلحانه را یگانه راه پیروزی انقلاب در ایران معرفی نموده و باربار تأکید نموده اند که خشونت و قهر را فقط با خشونت و قهر می توان از میان برداشت، نه تنها هیچ نوع برداشتی از اندیشه مائوتسه دون را ارائه ننموده اند، بلکه با نادیده گرفتن طرح اصلی "مائو" در زمینه، که داشتن "سه سلاح خلق" را لازمه انقلاب دموکراتیک نوین معرفی می دارد، در تقابل مستقیم با آن قرار گرفته، به همان دلیل از جانب پیروان اندیشه "مائو" مشی آنها زیر نام "مشی چریکی" و دنباله روی از خط "ماریکلاس و رژه دوبره" مورد انتقاد قرار می گرفت.

و اما در مورد "بیژن جزنی": سابقه فعالیت وی با حزب توده به گفته نویسنده مقاله در مورد انگیزه خیزش مردم هرات خط مسکو و جزوه های باقیمانده از وی که اینک در یک مجموعه به نام "جنگی در باره زندگی و آثار بیژن جزنی" از

طرف "کانون گردآوری و نشر آثار بیژن جزنی" در ۴۴۲ صفحه جمعآوری و منتشر گردیده است، خود گواه و شاهد آن است که نامبرده هیچ مناسبتی با اندیشه مائوتسه دون و خط چین نداشته است.

گذشته از این سه اثر که می توان گفت حیثیت ستون فقرات فکری "چریکها" را داشت، از سال ۱۳۴۶ هجری شمسی تا اکنون ۱۳۹۶، در جریان این نیم قرن مبارزه و پیکار آحاد آن نهاد- هریک به شکلی و از موضع خاص خودش- اگر گفته شود بیشتر از هزاران مقاله و کتاب، مجله، مصاحبه و جریده از طرف آنها به نشر رسیده هیچ جای مبالغه ای در آن وجود ندارد، و جرایدی از سنخ، "۱۹ بهمن تئوریک"، "پیام فدائی"، "سیاهکل"، "پیام سیاهکل"، "نبرد خلق"، "کار" و ... هم اکنون منتشر می گردند، در هیچ یک از آنها نه در گذشته و نه هم اینک، ادعائی صورت نگرفته که آنها با اندیشه مائو و یا حزب کمونیست چین و یا خط چین تقرب و یا تفاهم داشته اند، سؤالی که عرض اندام می نماید این است که نویسنده آن ادعای کذائی را از کجای خود بیرون کشیده است؟

آنها نه تنها با اندیشه مائو تسه دون سروکاری نداشتند، بلکه در تمام دوران حیات شان- حتا همان بخشهای سالم آن که به مانند باند "فرخ نگهدار" مستقیماً به دام روسیه نیفتادند- هیچ گاهی ترم "سوسیال امپریالیسم" را در ادبیات شان مورد استفاده قرار ندادند تا نکند کسی به مانند "شجاع" ما پیدا شده و آنها را متهم به پیروی از اندیشه مائو و تعلق به خط چین نماید.

از آن گذشته، نویسنده که تلویحاً ادعا دارد که گویا قیام هرات متأثر از مداخلات شاخه خراسان "چریکهای فدائی خلق ایران" بوده، آیا هیچ می داند که آن سازمان شب فدای پیروزی "قیام بهمن- حوت" و سرقت دستاورد انقلاب مردم به وسیله عوامل امپریالیسم یعنی آخند ها، به علاوه جدا شدن یک گروه کوچک مربوط به اسطوره مقاومت ایران "اشرف دهقانی"، بقیه به دو قسمت "اکثریت" و "اقلیت" انشعاب نموده، در عین حالی که با هم اختلاف داشتند، در دو نکته در همان آغاز کاملاً موافق همدیگر حرکت می نمودند، نکات، "حمایت از رژیم جمهوری اسلامی" و "همکاری با حزب توده" یعنی در کلیت آن خوشرقصی به خط مسکو.

نویسنده مقاله "نگاهی کوتاه به بیست و چهار حوت از فراز درخت توت"، اگر تا اینجای مقاله یعنی معرفی "چریکهای فدائی خلق ایران" کم سواد و بی اطلاعی خود را ریکلام نموده می خواهد بین "شجاعان" از همه یک سر و گردن بلند تر خود را معرفی بدارد، وقتی نمی خواهد از همکاری های جناح اکثریت "چریکهای فدائی خلق ایران" یعنی باند "فرخ نگهدار" با دولت دست نشانده روس در داخل و خارج از افغانستان نامی به میان آورد، چون در اساس آن رژیم را به مثابه "عروس" ترسیم نموده، در عمل نشان می دهد که خود یکی از نوکران و سرسپردگان روس اشغالگر است که اینک تازه مسلمان شده، وقتی با کلاه سرخ نتوانست به امیال و آرزوهایش برسد، تازه می خواهد با شال سبز، همان امیال و آرزو ها را بر آورده بسازد.

نویسنده مقاله "نگاهی کوتاه... درخت توت"، حتا به خود این زحمت را نداده تا از کسانی که در زندانهای رژیم وابسته به روس در انتظار مرگ به سر می بردند و خاطرات شان را نگاشته اند، به آن خاطرات مراجعه و یا پای صحبت آن زنده به گور ها بنشیند و بپرسد که نقش باند "فرخ نگهدار" - بخوانید اکثریت چریکها- در دستگیری، تحقیق و شکنجه آنها چگونه بوده است. ایشان به خود هیچ زحمت نداده اند تا حد اقل از آن افغانهایی که آن زمان خیل خیل و گله گله به روسیه به عناوین مختلف جهت "مغزشوئی" اعزام می شدند بپرسد که در دوران اقامت تان در روسیه آنروز، چه کسانی و متعلق به کدام باند "اکثریتی" و یا "توده ئی" مسؤولیت سرپرستی و استخباراتی آنها را به عهده داشت، تا متوجه می شد که "چریکهای فدائی خلق ایران" نه تنها پیروان اندیشه مائو نبوده اند، بلکه آنهایی که در همان زمان دخیل در قضایای افغانستان بودند، به صورت عمده در جمع نوکران روس و از جمع برادران تنی "حدخا" به شمار می

رفتند و نمی توانستند علیه بادر امپریالیستی شان ایستاده شده، گویا به نفع مردم ما نظر دهند. - این که فعلاً بخشهای سالم "چریکهای فدائی خلق ایران" با پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" همکاری می نمایند بدان معنا نیست که آنها در همان زمان، طرفدار اندیشهٔ مائو بوده اند.

بی مناسبت نیست بیفزایم وقتی بررسی اشتباه یک فرد و یا جریان به میان می آید، همه موظفیم ببینیم که آن اشتباه پایهٔ معرفتی دارد و یا هم پایهٔ طبقاتی و با درک تفاوت، برخورد ما را نسبت به فرد و یا جریان عیار بسازیم. در همین مورد خاص، به نظر من مسأله به پایهٔ معرفتی اشتباه و یا نادانی فرد بر نمی گردد، زیرا گذشته از سپری شدن حدود چهل سال از حماسهٔ تاریخی هرات و موجودیت صد ها و هزاران مقاله در موردش، شاهدان زندهٔ آن رستاخیز عظیم مردم و جانبازی بیدریغ آنها نیز گواه بر آن است که پای اشتباه معرفتی در بین نیست، آخر مگر کسی چوب برداشته و به زور چوب از دیگری می خواهد راجع به چیزی که اطلاع ندارد قلم بزند که بتوان به اشتباه پایهٔ معرفتی قایل شد؟؟ اینجاست که دم خروس تعلقات پارینهٔ "حدخا" خود را به شکل دیگری نمایان ساخته، به خود جرأت می دهد تا بر خیزش خلق ما مهر "روحیهٔ منفی و ضد ملی" بزند.

بیجا نیست اندکی به سایتی که ناشر چنین خزعبلاتی می باشند نیز یادآوری نمود، که حکم تاریخ را همیشه به یاد داشته باشند. چه تاریخ نه تنها به عوامل دشمن، بلکه حاملان افکار آنها نیز مهر خاین پرور را حواله می دارد. امید هوشدارم را کسی دشمنی شخصی تلقی ننماید.

این رشته سردراز دارد